

شرحی بر رساله حقوق امام سجاد(ع)

امروز مقدمه‌ای که امام سجاد(ع) در رساله الحقوق فرموده، را بخوانم و از آن عبور کنم. تقریباً نیمی از مقدمه را خواندیم؛ قبل از اینکه یکایک حقوق به تفصیل بیان شود، امام سجاد(ع) اشاره‌ی اجمالی به این ۵۱ حق کرده‌اند.

«وَحُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ الْعَالِمِ وَحَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْمِلْكِ مِنَ الْأَزْوَاجِ وَمَا مَلَكَتَ مِنَ الْأَيْمَانِ». حق رعیت بر انسان سه گونه است؛ منظور از رعیت یعنی کسانی که تحت سرپرستی و تکفل انسان هستند که خداوند متعال رعایت این حقوق را واجب کرده است. یکی کسی که تحت سیطره و حکومت حاکم قرار دارد؛ رعیت نسبت به حاکم حقوقی دارد. دوم کسی که از شما مطلبی یاد می‌گیرد؛ شاگردان و متعلمین حقوقی به گردن معلم و استاد دارند. خیلی مهم است که انسان وقتی در مقام سخنرانی، تبلیغ و تدریس قرار می‌گیرد باید متوجه این حقوق باشد که حقوق مخاطبین و متعلمین را رعایت کند؛ اگر شخصی سال‌ها درس بدهد در حالی که توانایی و شایستگی ندارد یا این توانایی را در خود نمی‌بیند. بخاطر تک تک افرادی که در آن درس حضور پیدا می‌کنند مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد که آیا این حق را ایفاء کرده یا نکرده است. چون کسی که متعلم است و از شما چیزی یاد می‌گیرد، حقی بر شما دارد. هر جاهلی نسبت به عالم، رعیت محسوب می‌شود. یعنی عالم سرپرست جاهل است. همچنین کسی که تحت سرپرستی انسان قرار می‌گیرد، مثل زنی که با او ازدواج کردی یا کسانی که مملوک تو هستند. زنی هم که به ازدواج انسان در می‌آید حقوقی به گردن او دارد.

«وَحُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمَّكَ ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقُّ وُلْدِكَ ثُمَّ حَقُّ أَخِيكَ ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَأَلْقَرَبُ وَالْأَوَّلُ فَأَلْأَوَّلُ». اما کسانی که رحم تو هستند، آنها هم حقوقی دارند. حقوق آنها زیاد است؛ کثرت این به اندازه تعداد اقارب و نزدیکان انسان است که خداوند بر انسان واجب کرده است. هر چه افراد فامیل و خویش و رحم بیشتر باشد، حقوق بر گردن انسان بیشتر است. چون به تعداد افراد این حق ثابت است. فکر نکنید که از کل فامیل با دو نفر حقوقشان را رعایت می‌کند، این به آن وظیفه عمل کرده است. تک تک افراد مستقلاً یک حقی دارد؛ حق مادرت، حق پدرت، حق فرزندان، حق برادر، حق خواهر، حق سایر نزدیکان. پس هر که نزدیک تر، مقدم است. اولویت با کسی است که قرابتش بیشتر است؛ معلوم است که حق پدر و مادر بر حق برادر مقدم است. حق برادر بر حق عمو مقدم است.

«ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعِمِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْجَارِيَةِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ لَدَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مُؤَدِّكَ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ ثُمَّ حَقُّ جَلِيسِكَ». بعد حق آن مولا و کسی که در حق تو احسان می کند؛ کسی که احسان می کند یک حقی پیدا می کند. بعد حق کنیز و غلام و نوکران؛ حق غلام و نوکران که تو به او احسان کردی، اینها حق دارند. بعد حق کسانی که به تو احسان کرده اند؛ متقابلاً این حق هست. بعد حق مؤذن نمازی که می خوانی. هیچ مکتبی در دنیا اینطور حقوقی برای انسان ها قرار نداده است. اگر ما به این حقوق عمل کنیم جامعه ما تبدیل به مدینه فاضله می شود. حق کسی که امام تو در نماز است؛ حق کسی که همنشین توست و جلیس با شماست.

«ثُمَّ حَقُّ جَارِكَ ثُمَّ حَقُّ صَاحِبِكَ ثُمَّ حَقُّ شَرِيكَكَ ثُمَّ حَقُّ مَالِكَ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي تَطَالِبُهُ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ ثُمَّ حَقُّ خَلِيطِكَ ثُمَّ حَقُّ خَصْمِكَ الْمُدْعَى عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ خَصْمِكَ الَّذِي تَدْعَى عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيرِكَ ثُمَّ حَقُّ الْمُسَيِّرِ عَلَيْكَ». بعد حق همسایه، حق رفیق و دوست، حق شریک، حق مال، حق کسی که به او قرض دادی، حق کسی که از او قرض گرفتی، حق کسی که با تو معاشرت می کند، حق کسی که مدعی توست، حقی کسی که تو مدعی او هستی. آن کسی که نسبت به او مدعی هستی، او نیز حقی دارد. حق کسی که از تو مشورت می خواهد و حق کسی که تو از او مشورت می خواهی.

«ثُمَّ حَقُّ مُسْتَنْصِحِكَ ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ سَائِلِكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلْتَهُ ثُمَّ حَقُّ مَنْ جَرَى لَكَ عَلَى يَدَيْهِ مَسَاءَةٌ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ مَسْرَةً بِذَلِكَ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ عَنْ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةً ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ الذَّمَّةِ ثُمَّ الْحَقُّوْقُ الْجَارِيَةُ بِقَدْرِ عِلَلِ الْأَحْوَالِ وَ تَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حَقُّوْقِهِ وَ وَقْفَهُ وَ سَدَّدَهُ». سپس حق کسانی که آنها را راهنمایی کردی و حق کسی که تو را راهنمایی کرده است؛ حق کسی که بزرگتر از شماست و حق کسی که کوچکتر از شماست؛ حق کسی که چیزی از تو می خواهد و حق کسی که تو از او چیزی می خواهی؛ حق کسی که بدی یا خوبی از او به تو رسیده - چه از روی عمد چه از روی خطا - اعم از اینکه آن خوبی یا بدی در گفتار باشد یا در فعل. بعد هم حق همه مسلمانان به طور عام و حق غیر مسلمانان که در حال جنگ و ستیز با مسلمانان نیستند - یعنی حق اهل ذمه - . بعد حق هر حادثه‌ای که پیش آمده، پیش می آید و اتفاق می افتد.

آخرین جمله امام سجاد در این مقدمه این است: خوشا به حال کسی که خداوند او را مدد نماید بر انجام آنچه که بر او واجب کرده از حقوقی که قرار داده و رعایت آن، و توفیق داده و راهنمایی می‌کند. باید برای رعایت این حقوق و عمل به این امور و واجبات و حقوق، از خداوند مدد خواست که خداوند توفیقش را به انسان بدهد و انسان را برای رعایت این حقوق یاری کند. همین که انسان در مورد تک تک این حقوق فکر کند، بسیار راهگشاست.

در جلسات آینده إن شاء الله این حقوق را شرح خواهیم داد.